

تاثیر بیش اطمینانی مدیران بر مدیریت سود واقعی شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

سید کاظم ابراهیمی*، منصور احمدی مقدم**

چکیده

امروزه مقوله مدیریت سود، توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است؛ به طوری که محققان بیشتر به دنبال دلایل و انگیزه‌های مدیریت سود هستند. یکی از عوامل موثر بر مدیریت سود، بیش اطمینانی مدیران است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی مدیران بیش اطمینانی است؛ مدیران نسبت به سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود، خوش‌بین هستند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند. از این‌رو، هدف این تحقیق بررسی تاثیر بیش اطمینانی مدیریت بر مدیریت سود واقعی است. برای این منظور، جامعه آماری تحقیق شامل، شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۳ است. در این تحقیق، نمونه‌گیری با استفاده از روش حذفی سیستماتیک انجام شده است که در نهایت تعداد ۱۰۷ شرکت به‌عنوان نمونه انتخاب شد. برای انجام این تحقیق از روش رگرسیون چند متغیره و با استفاده از داده‌های پانلی به بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان داد که بین بیش اطمینانی مدیریت و معیارهای مدیریت سود واقعی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: بیش اطمینانی مدیریت؛ مدیریت سود واقعی؛ جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی؛ هزینه تولید غیر عادی؛ هزینه اختیاری غیرعادی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۷/۰۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۱۲

* استادیار گروه حسابداری، دانشگاه سمنان.

** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول).

E-mail: Mansour.ahmadimoghadam@gmail.com

۱. مقدمه

سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به‌طور عام به رقم سود توجه ویژه‌ای دارند. آنها سود بدون نوسان و یا کم نوسان را با کیفیت‌تر تلقی می‌کنند. به عبارت دیگر، آنها در شرکت‌هایی حاضرند سرمایه‌گذاری کنند که روند سود آنها دارای ثبات بیشتری است؛ بنابراین سودهای گزارش شده همواره به‌عنوان یکی از معیارهای تصمیم‌گیری مالی، دارای اعتبار ویژه‌ای است و تحلیل‌گران مالی متفق‌القول سود را به‌عنوان یک عامل اساسی در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مدنظر قرار می‌دهند. مدیران انگیزه قوی دارند که سود را مدیریت کنند. مدیران واحدهای تجاری سعی می‌کنند در فرآیند تعیین سود دخالت کنند تا رقم سود در راستای اهداف دلخواه آنها گزارش شود [۲۰]. منظور از مدیریت سود در واقع، نوعی دستکاری مصنوعی سود توسط مدیریت جهت رسیدن به اهداف دلخواه است. پژوهش‌های پیشین، مدیریت سود را تلاش‌های مدیریت برای تعدیل نوسانات سود گزارش شده واحد تجاری می‌دانند که هدف اصلی آن ایجاد جریان با ثباتی از سود است. پدیده مدیریت سود می‌تواند بر رفتار استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی موثر واقع شود. برای مثال، اغلب سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که از روند ثابت سودآوری برخوردار است؛ زیرا شرکت‌هایی که سودهای پرنوسان گزارش می‌کنند در مقایسه با شرکت‌هایی که سود همواری دارند، از ریسک بالاتری برخوردار هستند [۱۸]. در اغلب پژوهش‌هایی که تاکنون با هدف تبیین عوامل موثر بر مدیریت سود، صورت گرفته است تاکید بر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها بوده است؛ این در حالی است که پژوهش‌های اخیر، ویژگی‌های شخصیتی مدیران را یکی از مهمترین عوامل موثر بر هموارسازی سود بررسی می‌کند [۳].

در الگوی اقتصاد مالی سنتی، فرض می‌شود تصمیم‌گیرندگان رفتار عقلایی دارند و همواره به دنبال حداکثر شدن مطلوبیت خود هستند [۹]؛ اما محققان تجربی بر این باورند گاهی اوقات برای یافتن پاسخ معماهای مالی، باید این احتمال پذیرفته شود که ممکن است تصمیم‌گیرندگان به‌طور کامل عقلایی رفتار نکنند. به بیان دیگر، ویژگی‌های شخصیتی مدیران نیز جزء عوامل مهم در تصمیم‌گیری‌ها به حساب می‌آید [۲].

یکی از ویژگی‌های مهم شخصیتی مدیران، بیش اطمینانی است؛ مدیران نسبت به سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود خوش‌بین‌اند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند. آنها احتمال و تاثیر رویدادهای مطلوب را بر جریان‌های نقدی شرکت بیش از واقع تخمین می‌زنند و احتمال تاثیر منفی را کمتر از واقع ارزیابی می‌کنند [۱۲، ۱۱]. به بیان دیگر، اطمینان بیش از اندازه مدیران به این معناست که آنها تخمین بیش از حدی راجع به جریان‌های نقدی و سودآوری آتی واحدهای تجاری داشته باشند.

بنابراین، با توجه به توضیحات ذکر شده و اینکه در ایران تاثیر بیش اطمینان مدیریت بر مدیریت سود مورد بررسی قرار نگرفته است، سوال اصلی که این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ آن می‌باشد، این است که آیا بین بیش اطمینان مدیریت و مدیریت سود، رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ در صورت وجود رابطه معنادار، نوع رابطه چگونه است، در تحقیق حاضر سعی بر آن است که ارتباط بین بیش اطمینان مدیریت و مدیریت سود مورد آزمون تجربی قرار گیرد. از این-رو، هدف اصلی این تحقیق، بررسی تاثیر بیش اطمینان مدیریت بر مدیریت سود است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری. بیش اطمینانی یکی از مهمترین یافته‌های علم روانشناسی در حوزه قضاوت و تصمیم‌گیری است. پژوهشگران دریافته‌اند که افراد درباره توانایی‌های خود، از جمله قدرت پیش‌بینی، ادراک اطلاعاتی و دانش خود، اغراق می‌کنند. به بیان دیگر، به توانایی‌ها و دانش خود بیش از حد اعتماد دارند؛ البته ممکن است این احساس درونی را اظهار نکنند یا حتی خود نیز از آن غافل باشند. یکی از ریشه‌های وقوع بیش اطمینانی و اصلاح نشدن آن در نتیجه یادگیری این است که افراد مسئولیت موفقیت‌های خود را به عهده می‌گیرند و مسئولیت شکست را به دیگران نسبت می‌دهند [۱۳].

بیش اطمینانی یا اعتماد بیش از حد به خود در بیان کلی می‌تواند به‌عنوان یک اعتقاد بی‌اساس در مورد توانایی‌های شناختی، قضاوت‌ها و استدلال شهودی فرد خلاصه شود. مفهوم بیش اطمینانی در مجموعه وسیعی از بررسی‌ها و آزمایش‌های روانشناسانه از نوع شناختی بررسی شده است که نشان می‌دهد افراد هم در مورد توانایی‌های خود در پیش‌بینی و هم در مورد دقت اطلاعاتی که در اختیار آنان قرار می‌گیرد، برآوردی بیش از اندازه دارند؛ همچنین در تخمین احتمالات، عملکرد ضعیفی دارند و رویدادهایی را که حتمی می‌دانند، غالباً دارای احتمال وقوع بسیار کمتر از صد در صد است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که افراد خود را از آنچه واقعا هستند، باهوش‌تر می‌پندارند و بر این باورند که اطلاعات بهتری نیز در اختیار دارند [۴].

مفهوم مدیریت سود از زوایای مختلفی مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. برای نمونه از نظر گاردون و همکارانش، اگر زمانی مدیران روش خاصی را از روش‌های حسابداری را برگزینند و نوسانات سودهای گزارش شده کاهش یابد، نتیجه مدیریت سود است. آنها همچنین متذکر می‌شوند که مدیران در حدود قدرتشان که ناشی از آزادی عمل در چارچوب اصول و روش‌های پذیرفته‌شده حسابداری است می‌توانند روی سود گزارش شده اثر بگذارند [۱۶].

به عقیده هیلی و والن (۱۹۹۹)، مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران از قضاوت‌های شخصی در گزارشگری مالی و ساختار معاملات استفاده می‌کنند [۱۰]. هدف آنها تغییر دادن گزارش‌های مالی به منظور گمراه کردن ذی‌نفعان، یا اثر بر قراردادهایی که مبتنی بر ارقام حسابداری هستند، می‌باشد؛ به‌طور کلی مدیریت سود یعنی اقدام آگاهانه به‌عمل آمده توسط مدیریت در خصوص چگونگی گزارش سود جهت رسیدن به اهداف خاص به‌گونه‌ای که منطبق با اصول و رویه‌های حسابداری است. مدیریت سود از دو طریق امکان‌پذیر است: مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری و مدیریت سود واقعی. در حالت اول از طریق ارقام تعهدی اختیاری، به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف خود می‌پردازند. در حالت دوم، مدیریت با دستکاری فعالیت‌های واقعی، به مدیریت سود واقعی روی آورده و به سود مورد نظر خویش دست می‌یابد. مدیران بیش اطمینان در نتیجه این باور که آنها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند (که دیگران ندارند)، دقت اطلاعات خود و به تبع آن سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آینده شرکت دارند. مدیریت سود به‌طور قابل توجهی تحت‌تاثیر انتظارات در مورد سودهای آتی است و بیش اطمینانی مدیریت بر این انتظارات اثر می‌گذارد. مدیران بیش اطمینان احتمال بیشتری به بهره‌گرفتن از سودهای دوره‌های آینده جهت افزایش سودهای دوره جاری دارند و این بدان معناست که مدیران بیش اطمینان تمایل بیشتری برای گزارش سودهای بالاتر نسبت به سایر مدیران دارند. در واقع بیش اطمینانی مدیریت از طریق تأثیری که بر تخمین سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری می‌گذارد هموارسازی سود را متاثر می‌سازد و باعث مدیریت سود می‌شود [۳].

پیشینه پژوهش. بومن (۲۰۱۴)، در پژوهشی به‌بررسی بیش اطمینانی مدیریت و هموارسازی سود پرداخت. وی از تصمیمات سرمایه‌گذاری و اعمال اختیار خرید سهام به‌عنوان معیارهای بیش اطمینانی استفاده نمود. یافته‌های وی نشان داد بیش اطمینانی مدیران و هموارسازی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد [۱۰].

تین شی و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی به‌بررسی رابطه بین بیش اطمینان مدیریت و مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی پرداختند. نتایج آنها نشان داد که مدیران بیش اطمینان با احتمال بیشتری نسبت به سایر مدیران اقدام به افزایش سود گزارش شده از طریق ارقام تعهدی اختیاری می‌نمایند [۱۷].

فارل و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی به‌بررسی رابطه بین محدودیت‌های مالی و مدیریت سود به‌عنوان مکانیزم خرید مجدد سهام پرداختند. نتایج آنها نشان داد که بین محدودیت تامین

مالی با مدیریت سود اقلام تعهدی رابطه مثبتی وجود دارد؛ همچنین بین محدودیت مالی و مدیریت سود واقعی رابطه منفی وجود دارد [۷].

احمد و دولمان (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «اطمینان بیش از حد مدیریتی و محافظه‌کاری حسابداری»، به بررسی تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط پرداخته و همچنین، نقش نظارت خارجی قوی را بر این تاثیرات بررسی کرده‌اند و نشان دادند که اطمینان بیش از حد مدیریتی باعث کاهش محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط شده و نظارت خارجی قوی سبب کاهش تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری نمی‌شود [۱]. چاوشی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین اطمینان بیش از حد مدیران و انتخاب سیاست‌های تامین مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان از عدم رابطه بین اطمینان بیش از حد و تصمیم‌های مالی است. علاوه بر این، رابطه بین فرصت‌های رشد، سودآوری، اندازه شرکت و ریسک درماندگی مالی، معنادار است [۶].

بولو و حسنی القار (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی تاثیر بیش اطمینانی مدیریت بر هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری بیش اطمینانی مدیریت از دو معیار مبتنی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری استفاده شده است. معیار هموارسازی سود مورد نظر در این پژوهش نسبت انحراف معیار سود عملیاتی به انحراف معیار جریان نقد عملیاتی است. نتایج پژوهش آنان نشان داد بیش اطمینان مدیریتی منجر به افزایش هموارسازی سود می‌شود [۴].

نمازی و غلامی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «تاثیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران» پرداختند. در راستای بررسی این موضع، تعداد ۶۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را در بازه زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۷، مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که با اعمال بیشتر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، میزان سرمایه‌گذاری‌های ناکارای شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد؛ همچنین یافته‌های آنها نشان داد که بین اقلام تعهدی اختیاری و سرمایه‌گذاری ناکارایی دوره مالی بعد نیز رابطه معنادار وجود دارد [۱۴].

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی تاثیر مدیریت سود واقعی بر رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای این منظور، تعداد ۶۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی ۱۳۸۸-۱۳۸۷، مورد بررسی قرار دادند. برای سنجش مدیریت سود واقعی، از سه معیار جریان نقدی غیرعادی، هزینه‌های تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی استفاده کردند. نتایج آنها نشان داد که بین جریان نقدی غیرعادی

و هزینه‌های اختیاری غیرعادی با سرمایه‌گذاری ناکارا، رابطه معنادار وجود دارد. به این معنی که با اعمال بیشتر مدیریت سود واقعی سرمایه‌گذاری ناکارای شرکت‌ها افزایش می‌یابد [۱۵].

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، از دسته کاربردی به‌شمار می‌رود و از نظر روش، پژوهش توصیفی مبتنی بر تحلیل رگرسیونی است که در آن، از تحلیل داده‌های ترکیبی و ادغام استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز از لوح فشرده تدبیر پرداز و سایت کدال جمع‌آوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Eviews انجام شده است.

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ هستند. در این پژوهش، نمونه‌گیری با استفاده از روش حذفی سیستماتیک انجام شده است؛ لذا نمونه انتخابی شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که شرایط زیر را دارا باشند:

۱. سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند ماه هر سال باشد.
 ۲. طی بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 ۳. اطلاعات صورت‌های مالی آنها از سال ۱۳۸۶ به‌طور کامل و پیوسته، در دسترس باشد.
 ۴. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد.
- پس از اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد شرکت‌های انتخابی ۱۰۷ شرکت شد.

۴. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین بیش اطمینانی مدیریت و جریان نقد عملیاتی غیرعادی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم: بین بیش اطمینانی مدیریت و هزینه‌های تولید غیرعادی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه سوم: بین بیش اطمینانی مدیریت و هزینه اختیاری غیرعادی رابطه معنادار وجود دارد.

الگوی پژوهش. در این پژوهش جهت آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

$$EM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{OverCon}_{i,t} + \beta_2 \text{ROA}_{i,t-1} + \beta_3 \text{LEV}_{i,t} + \beta_4 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_2 \text{CONS} - C_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \dots \quad \text{رابطه (۱)}$$

متغیر وابسته

مدیریت سود واقعی. برای اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی از مدل رویچرهیری استفاده شده است [۱۶].

الف: جریان نقد عملیاتی غیرعادی:

$$\frac{CFO_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} = \beta_0 \frac{1}{Assets_{i,t-1}} + \beta_1 \frac{sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{\Delta sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۲)}$$

$CFO_{i,t}$: جریان نقد عملیاتی، $Assets_{i,t-1}$: کل دارایی‌ها در ابتدای دوره، $sales_{i,t}$: فروش، $\Delta sales_{i,t}$: تغییرات فروش، $\varepsilon_{i,t}$: مقدار خطا (جریان نقد عملیاتی غیرعادی).

ب: هزینه تولید غیرعادی

$$\frac{PROD_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} = \beta_0 \frac{1}{Assets_{i,t-1}} + \beta_1 \frac{sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} + \beta_2 \frac{\Delta sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} + \beta_3 \frac{\Delta sales_{i,t-1}}{Assets_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۳)}$$

$PROD_{i,t}$: هزینه‌های تولید: هزینه تولید = (بهای تمام شده کالای فروش رفته + موجودی کالای پایان دوره - موجودی کالای ابتدای دوره)، $\varepsilon_{i,t}$: مقدار خطا (هزینه تولید غیر عادی).

ج: هزینه اختیاری غیرعادی

$$\frac{DISEXP_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} = \beta_0 \frac{1}{Assets_{i,t-1}} + \beta_1 \frac{sales_{i,t}}{Assets_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۴)}$$

$DISEXP_{i,t}$: هزینه‌های اداری و فروش، $\varepsilon_{i,t}$: مقدار خطا (هزینه اختیاری غیرعادی).

متغیر مستقل. بیش اطمینانی مدیریت (OverCon): در این پژوهش برای اندازه‌گیری بیش اطمینانی مدیریت از معیار مبتنی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران استفاده شده است. محققان نشان دادند که تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، حاوی اطلاعاتی مرتبط با بیش اطمینانی مدیریت است [۱۰]. بدین منظور، ابتدا الگوی رگرسیون رابطه (۵) به صورت مقطعی برآورد می‌شود و پس از آن در هر سال، باقیمانده محاسبه خواهد شد. چنانچه باقیمانده الگوی رگرسیونی رابطه (۵) برای شرکتی بزرگ‌تر از صفر باشد، بدین معناست که شرکت بیش از حد

سرمایه‌گذاری کرده است و لذا این شاخص برابر با یک خواهد بود و در غیر این صورت برابر صفر است.

در این تحقیق، بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری با استفاده از رابطه (۵) که حاصل کار تهرانی و حصارزاده (۲۰۰۹)، به‌عنوان معتبرترین مدل تعیین بیش و کم سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در ایران بوده، استفاده شده است [۱۹].

$$I_{it} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{it-1} + \beta_2 MTB_{it} + \beta_3 SG_{it-1} + \beta_4 ROA_{it-1} + \beta_5 OP_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۵)}$$

CFO_{it-1} : جریان نقد عملیاتی سال جاری تقسیم بر کل دارایی‌های ابتدای سال MTB_{it} : ارزش بازار به دفتر سهام شرکت. SG_{it-1} : رشد فروش که از تقسیم تغییرات فروش امسال با سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل به‌دست می‌آید. ROA_{it-1} : بازده دارایی‌ها که برابر با سود خالص تقسیم بر دارایی‌های ابتدای سال جاری. OP_{it-1} : سود عملیاتی سال جاری تقسیم بر دارایی‌های ابتدای سال جاری. ε_{it} : جز خطا (بیش و کم سرمایه‌گذاری).

متغیرهای کنترلی

ROA_{it-1} : بازده دارایی‌ها که برابر با سود خالص تقسیم بر دارایی‌های ابتدای سال جاری.

LEV اهرم مالی: از طریق تقسیم جمع بدهی بر کل دارایی‌ها به‌دست می‌آید.

SIZE: اندازه شرکت که برابر با لگاریتم کل دارایی‌ها.

$CONS - C_{it}$ محافظه‌کاری: برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از محافظه‌کاری مشروط استفاده شده است که برای اندازه‌گیری این نوع از محافظه‌کاری، از الگوی گبولی استفاده شده است [۸]:

$$CONS-C = \frac{\text{جریان نقد عملیاتی} - \text{هزینه استهلاک} + \text{سود عملیاتی}}{\text{جمع دارایی‌ها}} * (-1) \quad \text{رابطه (۶)}$$

۵. یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی. در جدول ۱، برخی مفاهیم آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، کمینه، بیشینه مشاهده‌ها و انحراف معیار ارائه شده است. برای مثال، مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی (LEV) برابر با ۰/۶۷۹ است. مقدار میانه برای اهرم مالی برابر با ۰/۶۷۲ می‌باشد؛ همچنین مقدار انحراف معیار برای اهرم مالی برابر با ۰/۲۸۷ است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف معیار
بیش اطمینانی مدیریت	۰/۵۶۰	۱	۰	۱	۰/۴۹۶
بازده دارایی‌ها	۰/۱۳۵	۰/۰۹۰	-۰/۸۸۹	۱/۲۰۹	۰/۱۹۰
اهرم مالی	۰/۶۷۹	۰/۶۷۲	۰/۰۶۶	۰/۸۶۹	۰/۲۸۷
اندازه	۶/۰۶۶	۵/۹۷۵	۴/۳۸۸	۸/۵۰۷	۰/۶۶۱
محافظه‌کاری	-۰/۰۴۴	-۰/۰۴۳	-۰/۵۵۶	۰/۸۷۴	۱/۱۲۶
جریان نقد عملیات غیرعادی	۰/۱۱۶	۰/۰۸۶	-۰/۳۶۱	۱/۲۹۱	۰/۱۷۴
هزینه تولید غیرعادی	-۰/۱۰۳	-۰/۰۸۷	-۴/۸۶۳	۱/۶۷۷	۰/۳۳۴
هزینه اختیاری غیرعادی	۰/۰۳۶۰	۰/۰۲۵	-۰/۱۰۰	۰/۶۰۹	۰/۰۵۵

آمار استنباطی. از آنجاکه داده‌ها به صورت ترکیبی هستند، در گام اول پژوهش، از آماره اف. لیمر برای تشخیص داده‌های کلاسیک از پانل استفاده می‌شود. در صورت انتخاب داده‌های پانل، گام بعدی تصمیم‌گیری در مورد انتخاب یکی از دو روش اثرات ثابت یا تصادفی است. برای این کار معمولاً از آزمون هاسمن استفاده می‌کنند. خلاصه نتایج آزمون F لیمر در جدول ۲ ارائه شده است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده از جدول ۲، نتایج آزمون بیانگر این است که مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی بوده و استفاده از روش داده‌های تابلویی (پانل) مناسب‌تر است.

جدول ۲. نتایج آزمون اف لیمر

مدل پژوهش	آماره F	سطح معناداری
مدل (۱) برای فرضیه اول	۹/۳۵۷	۰/۰۰۰
مدل (۲) برای فرضیه دوم	۸/۸۸۵	۰/۰۰۰
مدل (۳) برای فرضیه سوم	۴۳/۸۴۴	۱/۰۰۰

پس از انتخاب روش داده‌ای تابلویی توسط آزمون لیمر، آزمون هاسمن انجام گرفت که نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد سطح معناداری در هر ۳ مدل کمتر از ۵٪ است؛ لذا بر استفاده از اثرات ثابت دلالت دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن

مدل پژوهش	آماره آزمون هاسمن	سطح معناداری
مدل (۱) برای فرضیه اول	۶۱/۲۸۳	۰/۰۰۰
مدل (۲) برای فرضیه دوم	۲۱/۳۶۵	۰/۰۰۰
مدل (۳) برای فرضیه سوم	۱۱/۹۹۸	۰/۰۴۲

نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: بین بیش اطمینانی مدیریت و جریان نقد عملیاتی غیرعادی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر مستقل	علامت اختصاری	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	β	-۰/۲۷۲	۴/۲۹۷	۰/۰۰۰
بیش اطمینانی مدیریت	OverCon	-۰/۰۳۷	۹/۴۵۴	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۶۱۶	۲۷/۱۸۱	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۱۶	۱/۱۵۳	۰/۲۴۹
اندازه	SIZE	-۰/۰۳۷	-۳/۴۷۷	۰/۰۰۰
محافظه‌کاری مشروط	CONS-C	۱/۰۴۹	۵۶/۴۱۵	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده R^2	۰/۹۳	آماره F	F-Ststistic	۶۴/۹۷۲
آماره دوربین واتسون	۲/۲۳	سطح معناداری	Prob(F-Ststistic)	۰/۰۰۰

فرضیه اول پژوهش با استفاده از رابطه شماره (۱) آزمون شده است. با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول (۴) و با توجه آماره F به دست آمده (۶۴/۹۷۲) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی رگرسیون از معناداری بالایی برخوردار است؛ همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده به دست آمده برای الگو که برابر ۹۳ درصد است، می‌توان ادعا کرد که مجموع متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق ۹۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند؛ همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۲/۲۳ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقیمانده‌های مدل وجود ندارد.

در فرضیه اول به بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و جریان نقد عملیاتی غیرعادی پرداخته شده است. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۴) از تخمین مدل و ضریب بیش اطمینانی مدیریت (۰/۰۳۷) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بیش اطمینانی مدیریت رابطه مثبت و معناداری با جریان نقد عملیاتی غیرعادی دارد؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش تایید می‌شود.

فرضیه دوم: بین بیش اطمینانی مدیریت و هزینه‌های تولید غیرعادی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر مستقل	علامت اختصاری	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	β	-۲/۴۰۶	-۱۳/۱۵۸	۰/۰۰۰
بیش اطمینانی مدیریت	OverCon	۰/۰۱۳	۲/۴۶۲	۰/۰۱۴
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۴۱۱	-۱۰/۹۵۷	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰/۱۵۵	۶/۳۲۶	۰/۰۰۰
اندازه	SIZE	۰/۳۶۹	۱۲/۲۳۲	۰/۰۰۰
محافظه‌کاری مشروط	CONS-C	-۰/۰۵۴	-۱/۵۰۳	۰/۱۳۳
ضریب تعیین تعدیل شده R^2	۰/۸۷	آماره F	F-Ststistic	۳۵/۴۵۰
آماره دوربین واتسون	۲/۲۸	سطح معناداری	Prob(F-Ststistic)	۰/۰۰۰

فرضیه دوم پژوهش با استفاده از رابطه شماره (۱) آزمون شده است. با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول (۵) و با توجه آماره F به دست آمده (۳۵/۴۵۰) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی رگرسیون از معناداری بالایی برخوردار است؛ همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده به دست آمده برای الگو که برابر ۸۷ درصد است، می‌توان ادعا کرد که مجموع متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق ۸۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند؛ همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۲/۲۸ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقیمانده‌های مدل وجود ندارد.

در فرضیه دوم به بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و هزینه تولید غیرعادی پرداخته شده است. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۵) از تخمین مدل و ضریب بیش اطمینانی مدیریت (۰/۰۱۳) و سطح معناداری آن (۰/۰۱۴) می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بیش اطمینانی مدیریت رابطه مثبت و معناداری با هزینه تولید غیرعادی دارد؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش تایید می‌شود.

فرضیه سوم: بین بیش اطمینانی مدیریت و هزینه اختیاری غیرعادی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیر مستقل	علامت اختصاری	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	β	۰/۰۹۴	۴/۷۴۲	۰/۰۰۰
بیش اطمینانی مدیریت	OverCon	۰/۰۰۵	۱۰/۶۶۵	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۰۰۵	۱/۰۴۶	۰/۲۹۵
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۰۳	-۱/۶۹۷	۰/۰۹۰
اندازه	SIZE	-۰/۰۰۹	-۳/۰۳۸	۰/۰۰۲
محافظه‌کاری مشروط	CONS-C	۰/۰۰۷	۱/۶۶۱	۰/۰۹۷
ضریب تعیین تعدیل شده R^2	۰/۹۱	آماره F	F-Statistic	۵۰/۷۹۵
آماره دوربین واتسون	۱/۹۷	سطح معناداری	Prob(F-Statistic)	۰/۰۰۰

فرضیه سوم پژوهش با استفاده از رابطه شماره (۱) آزمون شده است. با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول (۶) و با توجه آماره F به دست آمده (۵۰/۷۹۵) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰)، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در مجموع الگوی رگرسیون از معناداری بالایی برخوردار است؛ همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده به دست آمده برای الگو که برابر ۹۱ درصد است، می‌توان ادعا کرد که مجموع متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق ۹۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند؛ همچنین با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۱/۹۷ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقیمانده‌های مدل وجود ندارد.

در فرضیه سوم به بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و هزینه اختیاری غیرعادی پرداخته شده است. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۶) از تخمین مدل و ضریب بیش اطمینانی مدیریت (۰/۰۰۵) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بیش اطمینانی مدیریت رابطه مثبت و معناداری با هزینه اختیاری غیرعادی دارد؛ بنابراین فرضیه سوم پژوهش تایید می‌شود.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با اتکاء به مبانی نظری، تلاش شد تا یکی از مهمترین عوامل موثر بر مدیریت سود معرفی شود. از این‌رو، به بررسی ارتباط بین عامل رفتاری بیش اطمینانی مدیریت و مدیریت سود واقعی پرداخته شده است. مدیران بیش اطمینان در نتیجه این باور که آنها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند، دقت اطلاعات خود و به تبع آن سودها و جریان‌های نقدی آینده واحد

تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آینده شرکت دارند. مدیریت سود به‌طور قابل‌توجهی تحت‌تاثیر انتظارات در مورد سودهای آینده است و بیش اطمینانی مدیریت بر این انتظارات اثر می‌گذارد.

در این پژوهش، برای اندازه‌گیری بیش اطمینان مدیریتی از معیار تصمیمات سرمایه‌گذاری استفاده شده است؛ همچنین مدیریت سود واقعی در این پژوهش از طریق سه معیار، جریان نقد عملیاتی غیرعادی، هزینه تولید غیرعادی و هزینه اختیاری غیرعادی اندازه‌گیری شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بیش اطمینانی مدیریت بر هر سه معیار مدیریت سود واقعی (جریان نقد عملیاتی غیرعادی، هزینه تولید غیرعادی و هزینه اختیاری غیرعادی) تاثیر مثبت و معناداری دارد و منجر به افزایش مدیریت سود می‌شود. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق بومهن (۲۰۱۴) و تین شی و همکاران (۲۰۱۴)، همسو و در یک راستا است [۱۷، ۳].

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود: مدیران و سرمایه‌گذاران بیش اطمینان در نتیجه این باور که آنها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند، معاملات پر حجمی را نیز انجام می‌دهند. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که انجام معاملات زیاد، غالباً منجر به بازدهی ضعیف در بلندمدت می‌شود. در وضعیت فعلی بهترین توصیه این است که آنها سوابق تاریخی معاملات خود را مرور کرده و بازده خود را محاسبه نمایند. پژوهش حاضر با معرفی یکی از عوامل موثر بر مدیریت سود می‌تواند برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی مفید باشد. از این‌رو، با توجه به رابطه مثبت بیش اطمینان مدیریت و مدیریت سود واقعی، نتیجه این پژوهش می‌تواند شواهدی از خطرات بیش اطمینانی مدیریت را برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان فراهم نماید تا هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری به نتیجه تاثیر بیش اطمینانی مدیریت بر مدیریت سود توجه نمایند؛ همچنین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تاثیر بیش اطمینانی مدیریت را بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری مورد بررسی قرار دهند. در مورد محدودیت‌های پژوهش نیز می‌توان بیان نمود که پژوهش حاضر هزینه‌های اختیاری شامل هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و نیز هزینه‌های تحقیق و توسعه است؛ ولی به دلیل محدودیت در استخراج هزینه‌های تحقیق و توسعه از صورت‌های مالی شرکت‌ها به ناچار از هزینه‌های اداری، عمومی و فروش به‌عنوان هزینه اختیاری استفاده شده است.

منابع

1. Ahmed, A. S., Duellman, S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1), 1-30.
2. Bertrand, M. and Schoar, A. (2003). Managing with style: the effect of managers on firm policies. *Quarterly Journal of Economics*, 118(4), 301-330.
3. Bouwman, C. (2014). Managerial optimism and earnings smoothing. *Journal of Banking & Finance*, 41, 283-303.
4. Blue, Ghasem. Alqar Hassani, Masoud (2015). Examining Managerial Overconfidence Effect on Earnings Smoothing in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*. 6(21), 31-53.
5. Campbell, T.C., Galloway, M., Johnson, S.A., Rutherford, J., and Stanley, B.W. (2011). CEO optimism and forced turnover. *Journal of Financial Economics*, 101(3), 695-712.
6. Chavoshi, K. Rastegar, M. Mirzaei, M (2015). Examination of the Relation between Managerial Overconfidence and Financing Policies in Tehran Stock Exchange. *Financial knowledge of Securities Analysis*. 8(25), 25-41.
7. Farrell, Kathleen, EmreUnlu, Jin Yu (2014). Stock repurchases as an earnings management mechanism: The impact of financing constraints, *Journal of Corporate Finance* 25, 1-15.
8. Guay, W., (2008). Conservative financial reporting, debt covenants, and the agency costs of debt. *Journal of Accounting and Economics*, 45(2-3): 175-180.
9. Hackbarth, D. (2008). Managerial traits and capital structure decisions. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 43(4): 843-882.
10. Healy, P. M. and J. M. Wahlen. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13(4): 365-383.
11. Heaton, J. (2002). Managerial optimism and corporate finance. *Financial Management*, 31(2), 33- 45.
12. Malmendier, U. and Tate, G. (2005). CEO overconfidence and corporate investment. *European Financial Management*, 11(5), 649-659.
13. Mashayekh, ah. Behzadpur, S (2014). The effect of managers' overconfidence on dividend policy in the firms listed in Tehran stock market. *Journal of The Accounting and Auditing Review*. 21(4), 485-504.
14. Nemazi, M. Gholami, R. (2014). Impact of Accrual-based Earnings Management on Investment Efficiency of the Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*. 5(17), 29-48.
15. Pourheidari, omid. Rahmani, A. Gholami, R (2013). The Impact of Real Earnings Management on Investment Behavior of Companies Listed on Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances* .5(1), 55-85.
16. Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335-370.
17. Tien-Shih, H., Bedard, J.C. and Johnstone, K.M. (2014). CEO overconfidence and earnings management during shifting regulatory regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41(9) &(10), 1243-1268.
18. Tucker, J., and Zarowin, P. (2006). Does income smoothing improve earnings informativeness? *The Accounting Review*, 81(1), 251-270.
19. Tehrani, R, Hesarzadeh, R. (2009). The impact of free cash flow constraints in

- financing and low investment over investment. *Journal of Accounting Research*. 1(3), 50-67.
20. Wild, J. J. Brenstein, L. A. And Subramanyam, K. R. (2001). *Financial Statement Analysis*, 7th, Mc Graw- Hill , 25.